اسرار حج از منظر حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری | مقاله



اسرار حج از منظر حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری

«حمید نگارش»

چکیده

حج، بزرگ‌ترین کنگره اسلامی است. شکوهمندترین محفل دیدار خالق و مخلوق و پر رمز و رازترین عبادت و سیر اِلی ا‌ست که با دل کندن از همه تعلقات دنیوی آغاز می‌شود و تا دیدار یار ادامه می‌یابد.

این نوشتار می‌کوشد گوشه‌هایی از رمز و راز این سفر معنوی را که در بیانات، پیام ها و مکتوبات رهبران انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی (امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری ـ مدّ ظلّه العالی ـ) آمده است، به رشته تحریر درآورد. اسرار و آرایی را که این مقال از آن دو بزرگوار بیان می‌کند، سه محور سیاسی (اجتماعی)، عرفانی و اخلاقی دارد. محور نخست، تفصیلی و محور دوم و سوم، اجمالی است.

کلیدواژه‌ها : حج، اسرار، امام خمینی(ره) ، مقام معظم رهبری، حجّ ابراهیمی.

مقدّمه

حج و عمره، بزرگ‌ترین همایش اسلامی است. در این گردهمایی نمایندگان و زائران بیش از یکصد کشور جهان شرکت دارند. حج و عمره شکوهمندترین محفل دیدار خالق و مخلوق و از پر رمز و رازترین عبادات است. با سیر اِلی اللّه است که دل کندن از همه تعلقات دنیوی آغاز می‌شود و تا دیدار یار ادامه می‌یابد.

حج، سفری معنوی است‌که بندگان خداجوی، به عشق وشوق لقای حق و درجهت تبعیت از دستورات الهی وپالایش روح، به‌آن همّت می‌گمارند. دیار وحی، بهترین میعادگاه ملل مسلمان است که درآن، مسلمانان با یکدیگر آشنا می‌شوند و ضمن بررسی مشکلات، درصدد رفع آن‌ها بر می‌آیند.

حج، یادآور رنج‌ها و مصائب چندین ساله پیامبر(صلی اللّه علیه و آله) در مسیر اعتلای اسلام و رستگاری بشریت است. با همه طرح‌ها و برنامه‌ها و تجاربی که در جهت استفاده هرچه بهتر از این کنگره صورت گرفته، هنوز از بسیاری از ظرفیت‌های حج استفاده وافی و کافی نمی‌شود؛ در این رهگذر، بهره‌گیری از نظریات رهبران دین، راه ما را برای رسیدن به مقصود واقعی حج هموارتر می‌نماید. بر این اساس، این مقاله در صدد است از دیدگاه‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی1 و خلف صالح ایشان، مقام معظم رهبری، حضرت آیت اللّه خامنه‌ای ـ زید عزّه العالی ـ استفاده نماید تا گوشه‌هایی از رمز و رازهای این سفر معنوی را بازشناسی نماید. روشن است که کاربرد اسرار به دلیل پنهان بودن حکمت‌هاست و توجه به فلسفه و اسرار، راه را برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی عبادات در حج و عمره هموارتر می‌نماید؛ چراکه با آگاهی از اسرار اعمال، اشتیاق بیشتری در جهت نیل به آن در مکلّف ایجاد می‌شود و او را به تحقّق مقاصد رهنمون می‌سازد.1

مقدمه را با دعایی از مقام معظم رهبری ـ ایّده ا تعالی ـ در باره امام خمینی(ره) ، احیاگر حجّ ابراهیمی پی می‌گیریم:

«... بارالها! بر بنده صالح متواضعت، امام خمینی که رضای تو را بر رضای دیگران برگزید و در راه اعلای کلمه تو و احیای دین تو، رنج‌های گران بر جان خرید و مجاهدت در راه ملت ابراهیمی و سنت محمّدی(صلی ا علیه و آله) را به نهایت رساند و در این راه لحظه‌ای از حرکت و تلاش باز نایستاد، با نام و یاد تو زیست و با امید و عشق تو به ملکوت اعلی پیوست، سلام و رحمت و رضوان فرست و کلمه او را رفعت بخش و راه او را رونق بخش و میراث یگانه او را در پناه خود حفظ کن و آرزوها و هدف‌های او را محقق ساز و ما را از اخلاف نیک او قرار ده...»2

اسرار اجتماعی و سیاسی حج

دشمنان و بیگانگان برای ضربه زدن به اسلام و آموزه‌های آن، اقدام به تحریف کرده و کوشیدند معانی حقیقی و واقعی آن‌ها را تغییر دهند. آنان تصور می‌کردند که با این حربه می‌توانند دین را به حاشیه رانده و از صحنه‌های زندگی مردم دور نگه دارند؛ از این‌رو، اسلام که همواره مانع حرکت بیگانگان بوده، با این رویکرد که اعمال عبادیِ دین تنها جنبه فردی دارد و به دور از مسائل سیاسی و اجتماعی است، تبلیغ و تفسیر شد. روح حماسی را از کالبد دین و آموزه‌های دینی برداشتند. بسیاری از مفاهیم دینی، معنای واقعی خود را در میان مردم از دست داد. مفاهیمی چون زهد، توکل، غیبت و انتظار فرج مفهومی مرده یافتند. زاهد در مفهوم مرده، کسی بود که گوشه عُزلت اختیار می‌کرد و به منظور این‌که زودتر به آخرت برسد، از تماس و حضور در اجتماع خودداری می‌کرد. کسی که می‌خواست وظیفه را از دوش خود بردارد و تحرک نداشته باشد، از توکّل دم می‌زد و...

این تفسیرهای ناصواب، دامن حج را نیز گرفته است. بررسی‌های تاریخی همواره نشان می‌دهد که این فریضه الهی، از سوی سران شرک و حاکمانِ ظلم و جور، به سمت بی محتوایی و اکتفا نمودن به شکل ظاهریِ آن هدایت شده است، اما با ظهور انقلاب اسلامی و احیاگری آن یگانه دوران، خمینی کبیر، دیری نگذشت که نگاه‌ها به سمت و سوی این عبادت بزرگ افتاد و امام(ره) در پیام‌های خود، حجّ ابراهیمی را با همه ابعاد آن، تفسیر کردند. در تفسیر امام، آن‌چه موجود و ملموس است، زنده شدن بُعد سیاسی و اجتماعی حج است. امام معتقد بودند که درد بزرگ جوامع اسلامی، عدم درک فلسفه احکام الهی است و حج

با آن همه راز و عظمتی که دارد، هنوز به صورت یک عبادت خشک و حرکت بی‌حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است. ایشان بر مسلمانان وظیفه می‌دانست که حج را کاملاً بشناسند و با اهداف آن آشنا شوند. آن‌چه تا کنون با عنوان «حج» انجام می‌گرفته، از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیل‌گران مغرض تفسیر می‌شده است، لذا ضمن ردّ این تفکر انحرافی، با زبان نقد به این موضوع توجّه می‌فرمود:

«...به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند...!

به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند...؟!»3

ایشان در پاسخ این نوع تفکّر وابسته و بی‌هویت می‌فرماید:

«... حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود... مناسک حج، مناسک زندگی است... حج، تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است... حج بسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند.

حجِ بی‌روح و بی‌تحرک و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست.»4

مقام معظم رهبری حضرت آیت ا خامنه‌ای نیز ضمن تأیید تفکر امام می‌فرماید:

«کدامین جان تشنه است که از فیض کوثر محمّد(صلی ا علیه و آله) و جوشش زمزم حسینی، این جرعه‌ها را بنوشد و هنوز در مضمون سیاسی حج دچار تردید و ابهام باشد؟

حج بی برائت، حج بی وحدت، حج بی تحرک وقیام، حجی که از آن تهدید کفر و شرک برنخیزد، حج نیست و روح ومعنای حج را فاقد است. بت‌های بزهکار استبداد و استعمار، حکمرانان از خدا بی‌خبر و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی، در گذشته و حال، همواره از حجِ با مضمون سازنده و روشن و الهام‌بخش، به‌شدت ترسیده و با آن به مقابله برخاسته‌اند... بدانید که هر کس حج را از هویت سیاسی آن جدا کند، یا جاهل است و یا مغرض.»5

بنابراین، ویژگی بارز حجّ ابراهیمی از منظر امام امت و رهبر معظم انقلاب، اسرار و ابعاد سیاسی آن است. توجه به این بُعد حج، دلایل زیادی که با الهام از رهنمودهای امام و مقام معظم رهبری، به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1. تحکیم وحدت میان مسلمانان

در سراسر دنیا، هیچ مسلمانی یافت نمی‌شود که در وضعیت کنونی، نگاه مثبت به اهمیت وحدت نداشته باشد. امروز حیله‌ها و نقشه‌های دشمنان بر مردم مسلمان دنیا روشن شده وکیست که نداند زورمداران در صدد دامن زدن به اختلافات فرقه‌ای هستند. منازعات و کشمکش‌های گذشته و کنونی جهان، علی‌رغم تلاش‌های گسترده رهبران جوامع و دولت‌ها، همچنان رو به تزاید نهاده و هر روز بر میزان قربانیان اختلافات داخلی، منطقه‌ای و بین المللی افزوده می‌گردد و به موازات آن حجم بیشتری از سرمایه‌های مادی و معنوی ملت‌ها قربانی مطامع جنگ افروزان و تفرقه‌انگیزان می‌شود.

تجربه تاریخی، گویای این مطلب است که تکیه و تعصب بر عواملی چون: قومیت‌گرایی و ناسیونالیسم، نژاد و رنگ و مانند آن، مانع رسیدن به آرمان‌های تعالی‌بخش می‌گردد. بر مبنای همین نگرش است که امام خمینی(ره) فرموده‌اند:

« اگر ملت‌های مسلم... برادر با هم باشند و به برادری با هم رفتار کنند، هیچ آسیبی بر این‌ها واقع نمی‌شود و هیچ یک از ابرقدرت‌ها قدرت این‌که تجاوز به آن‌ها بکنند ندارند.»6

از منظر امام، امروز مهم‌ترین طرح ابرقدرت‌ها ایجاد اختلاف است:

« امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرت‌ها هستند. همه جا را ناظر هستند و برای شکست همه طوایف و قشرهای دیگر طرح‌ها دارند و مهمّ ِ طرح‌ها آن است که بین برادرها اختلاف ایجاد کنند.»7

« این اختلافِ شما که الآن هست و هر روز هم ریشه دارتر می‌شود... می‌دانید چه ضرری دارید به اسلام می‌زنید؟ ... و چه خدمتی دارید به آمریکا می‌کنید؟!»8

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«... از مسائل مهم این روزگار، مسأله اختلافات فرقه‌ای میان مسلمین است... در این باب، سخن تازه آن است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌ای آن ـ و نه اسلامی به معنای عام ـ معرفی کرده و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و نقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرق مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم...»9

در این باره توجه به چند نکته ضروری است:

1ـ 1 ـ تأکید قرآن و احادیث بر وحدت اسلامی

واژه‌هایی چون تعاون، جماعت، اجتماع، مودّت، اخوّت، الفت، تألیف قلوب و... در متون دینی ما زیاد وارد شده است و به نوعی دربردارنده معنای وحدت و اتحاد می‌باشد که به بعضی از این آیات اشاره می‌شود:

ـ (تَعاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَ التَّقْوی) (مائده : 2).

«در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید.»

ـ (وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّهً وَ رَحْمَه) (روم : 21).

«و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.»

ـ (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَه) (حجرات: 10).

«مؤمنان برادر یکدیگرند.»

ـ (وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا) (آل عمران : 103).

«همگی به ریسمان خدا چنگ زده و پراکنده نشوید.»

ـ (کَانَ النّاسُ أُمّهَ واحِدَه) (بقره : 213).

«مردم در آغاز یک دسته بودند و (به تدریج اختلافاتی در میان آن‌ها پیدا شد.)»

هم‌چنین درکلام نورانی معصومان(علیهم السلام) واژه‌هایی چون «جماعت»، «تواصل» به‌کار رفته است دربردارنده مفهوم وحدت می‌باشد. پیامبر خدا(صلی ا علیه و آله) در حدیثی می‌فرمایند:

«مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَه مَاتَ مِیتَه جَاهِلِیّه».10

«کسی که از جماعت، افتراق جوید، جاهل از دنیا می‌رود.»

علی(علیه السلام) نیز در وصف جماعت می‌فرماید:

«فَإِنّ یَدَ اِ مَعَ الْجَمَاعَه وَ إِیّاکُمْ وَ الْفُرْقَه».11

«همانا دست خدا با جماعت است و بر شماست پرهیز از افتراق و جدایی.»

«وَ عَلَیْکُمْ بِالتّوَاصُلِ وَ التّبَاذُلِ وَ إِیّاکُمْ وَ التّدَابُرَ وَ التّقَاطُعَ».12

«بر شما باد پیوستن با یکدیگر و بخشش همدیگر، مبادا از هم روی برگردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید.»

2 ـ 1ـ اهداف طرح وحدت اسلامی

هدف از طرح موضوع «وحدت اسلامی میان ملت‌های مسلمان» این نبود که شیعیان از اعتقادات خود دست بردارند و یا سنی‌ها گرایش به شیعه پیدا کنند؛ بلکه با توجه به مشترکاتی که میان همه مذاهب و فرقه‌های اسلامی وجود دارد، می‌توان همه مسلمانان را در صف واحد در برابر دشمنان قسم خورده اسلام

قرار داد. اختلاف در بعضی از مسائل اعتقادی و احکام شرعی که نتیجه اجتهاد و تحقیقات علمی است، نباید باعث جدایی و دوری ملت‌های مسلمان شود و متفکران مذاهب همچنان در صحنه بحث و استدلال برای تحقّق حق به اقامه دلیل می‌پردازند، باید در عرصه زندگی اجتماعی نیز با توجه به مصالح کلّ امت اسلامی، تدابیر ویژه اتخاذ نمایند. با این رویکرد می‌توان نتیجه گرفت که هدف از طرح وحدت اسلامی، عزّت و سربلندی اسلام و امت اسلامی است. این طرح می‌کوشد تفکر اسلام ناب محمّدی(صلی ا علیه و آله) را به عنوان یک فرهنگ، در بینش و برداشت مسلمانان در جهت اقتدار امت اسلامی قرار دهد.

3- 1- راهکارهای شکل‌گیری وحدت

بدیهی است ترسیم راهکارهای مناسب برای به وجود آمدن وحدت اسلامی میان مسلمانان، باید دغدغه اصلی همه دلسوزان اسلام و مسلمین باشد. با الهام از رهنمودهای امام و رهبری، به بعضی از این راهکارها اشاره می‌شود:

1ـ 3ـ 1ـ بازگشت به قرآن

وحدت اسلامی نیازمند محوری است که مسلمانان بتوانند با چنگ زدن به آن، گرد هم آیند و بر اساس آن، به اهداف مشترک و منافع دنیوی و اخروی خود بیندیشند. به باور مسلمانان جهان، اصلی‌ترین، ریشه‌دارترین و استوارترین محور وحدت و برادری، قرآن کریم است که وثاقت، اعتبار الهی بودن و نجات بخشی آن مورد قبول و اتفاق نظر همه مسلمانان و مذاهب اسلامی است. از نگاه قرآن، انسان‌ها در آفرینش از یک گوهرند، لیکن به سبب امتحان بشر و ظهور استعدادها و ظرفیت‌های او و نیز دنیاطلبی، فرقه‌گرایی و تفرقه‌افکنی‌های دشمنان، این وحدت فروپاشیده است که برای تحقّق دوباره آن و شکل‌گیری امت واحد قرآنی، این کتاب الهی مؤلفه‌های اخوّت، مودّت، الفت و رحمت مسلمانان نسبت به یکدیگر و مانند آن را پیشنهاد می‌کند. وقتی همه بدانند خالقشان یکی است و همه از یک اصل و یک پدر و مادر به وجود آمده‌اند، اخوت و وحدت در میان آن‌ها برقرار می‌شود وبه‌حکم آیه (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَه) می‌کوشند آن‌چه را برای خود دوست دارند برای برادر دینی‌شان هم دوست بدارند. باری قرآن از بنیان‌ها و عواملی سخن به میان می‌آورد که می‌تواند مهم‌ترین نقش را در شکل‌گیری انسجام اسلامی ایفا نماید. بعضی از این عوامل عبارت‌اند از:

الف: توحید

قرآن کریم خداوند را به عنوان کمال نهایی هستی مطرح نموده است. مبدئی که به تعبیر فیلسوفان، بالذات واجب الوجود است و به هیچ چیز وابستگی ندارد و همه موجودات وابسته به او هستند. این محور بزرگ هستی سبب شده است که همه مؤمنان متّحد و همنوا شوند، به طرف او روی آورند، در جهت رضای او حرکت کنند و بکوشند اعمال خود را فی سبیل ا و قربه إلی ا انجام دهند. ایمان به مبدأ واحد، از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری وفاق عمومی و همگانی است.

این یکتاپرستی، تمام خداپرستان را در یک رابطه متّحد می‌کند؛ به‌طوری‌که تمام افراد از آن‌رو که گردن به بندگی نهاده‌اند، در جمیع حقوق و تعهدات با هم برابرند و جز در برابر خداوند تسلیم نیستند و معتقدند که او حاکم علی‌الاطلاق است و همگان را به هم پیوند می‌دهد. قرآن می‌فرماید:

(فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِا فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَه الْوُثْقی لا انْفِصامَ لَها وَ ا سَمِیعٌ عَلِیم).13

مقام معظم رهبری حج را مظهر توحید و کعبه را خانه توحید معرفی کرده، می‌فرماید:

«این‌که در آیات کریمه مربوط به حج، بارها از ذکرا سخن رفته، نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیر خدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائر ا حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «ا» و طرد و نفی و برائت از «انداد ا» است.»14

ب: عمل صالح

عمل صالح، همان رفتار در مسیر الهی است. این حالت، فارغ از هرگونه ویژگی‌های فردی، قومی و نژادی مطرح گردیده است؛ چرا که ریشه آن به صورت عمومی در ذات و فطرت آدمی است و در همه انسان‌ها وجود دارد. قرآن کریم بر عمل صالح تأکید فراوان کرده، می‌فرماید:

(وَ الْعَصْر * إِنَّ الإِنْسانَ لَفِی خُسْرٍ * إِلاَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْر).15

وجود وجه مشترکی چون «عمل صالح» اگر مورد توجه افراد باشد، سبب پیوند بیشتر آن‌ها می‌شود و این

مهم، آن‌گاه به اوج می‌رسدکه آن وجه مشترک، در اعماق وجود انسان‌ها ریشه کرده و در سویدای قلوب آن‌ها جای داشته باشد. آثار اعمال نیکی چون تعاون، دستگیری و ایثارگری، همه مسلمانان را دربرمی‌گیرد. این نگاه قرآنی سبب وحدت قلوب و نزدیکی دل‌ها می‌شود. شکوه این اعمال صالح را می‌توان در موسم حج دید.

ج : تأسی به سیره نبوی

هنگامی‌که آن پیامبر رحمت و منادی وحدت، آوای توحید را به گوش جانِ مسلمانانِ صدر اسلام رساند، عصبیت‌های جاهلی، فخر فروشی‌ها، قوم‌گرایی‌ها و افتخار به عشیره و نام و نسب، به کناری رفتند و نور عبودیت و وحدت، جامعه اسلامی را فرا گرفت.

این وحدت دینی، سلمان فارسی و بلال حبشی را برادر کرد و در ردیف نزدیک‌ترین یاران پیامبر(صلی ا علیه و آله) قرار داد و بسیاری از دشمنی‌های ریشه‌دار صدر اسلام در سایه این همفکری و هماهنگی برطرف گردید و آن حضرت توانست دل‌های مسلمانان را فارغ از نژاد، زبان، رنگ پوست و... به خود جذب کند.

از بهترین ابتکارها و استراتژی‌های مهم آن حضرت در به کارگیری وحدت، برقراری اخوت میان مسلمانان و قبایل گوناگون بود. پیام این پیمان اخوت و برادری آن بود که در امت مسلمان صدر اسلام حساسیت خاص و مشترکی پیدا شود و آثار اختلافات داخلی در آن ضعیف و کم‌رنگ شود. این کار بزرگ پیامبر باعث شد بسیاری از مفاسد برگرفته از هواهای نفسانی از بین برود و اتحاد انسانی جایگزین اختلافات حیوانی گردد.

دو قبیله کاوس و خزرج نام داشت/ یک ز دیگر جان خون آشام داشت

کین‌های کهنه‌شان از مصطفی / محو شد در نور اسلام و صفا

اولاً اخوان شدند آن دشمنان/ همچو اعداد عِنَب در بوستان

وز دم المؤمنون اخوه به پند / درشکستند و تن واحد شدند

این پیمان برادری تنها بر اساس نفی انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای و بر محور حق و همکاری اجتماعی شکل گرفت و خداوند آن را اینگونه ستود:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَه فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُون).17

روح حاکم بر کلیت این پیمان، ایجاد وحدت اسلامی در راستای نگاه آرمانی و ارزشی پیامبر(صلی الله علیه و آله) در جامعه دینی بود. آن پیامبر رحمت توانست با این پیمان، نوعی وحدت میان تمامی مسلمانان برقرار نماید به‌گونه‌ای‌که آنان را به صورت امت واحد درآورد.

باری در موسم حج و در بهترین مکان و زمان می‌توان با تأسی به پیامبر اعظم(صلی الله علیه و آله) زمینه‌های انسجام مسلمانان را بیش از پیش فزونی بخشید.

2ـ 3 ـ 1 پیروی از سیره معصومین:

امامان شیعی‌که از اصل و شجره نبوت و وارثان به حق پیامبر(صلی الله علیه و آله) می‌باشند، در جهت حفظ اسلام و جلوگیری از نفوذ دشمنان از توصیه به همبستگی و جماعت و عمل به آن، لحظه‌ای فروگذار نکرده‌اند. آن الگوهای دینی در رفتار خود با مخالفان، آن چنان بودند که در بعضی اوقات مورد اعتراض بعضی از اصحاب واقع می‌شدند. کلام آن بزگواران مانند رفتارشان دل‌های مؤمنان را به یکدیگر نزدیک می‌نمود. امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَه بَنُو أَبٍ وَ أُمٍّ وَ إِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهِرَ لَهُ الآخَرُونَ».18

«همانا مؤمنان برادر یکدیگرند و فرزندان یک پدر و مادر می‌باشند و اگر رگی از یکی بجنبد (و ناراحت باشد) دیگران به خاطر او شب را نمی‌خوابند.»

آن بزرگوار در حدیث دیگری می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنِ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَ أَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَه».19

«مؤمن برادر مؤمن است، همچون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اندام‌ها، آن درد را حس می‌کنند و ارواح آن‌ها از یک روح است.»

در دوران امام باقر و امام صادق(علیهما السلام)حوزه‌های درس و بحث در مدینه، شهر پیامبر(صلی ا علیه و آله) و دیگر بلاد اسلامی برقرار می‌شد که از آن جمله محضر پربار این دو امام هُمام بود. مردم بسیاری، که بیشتر از اهل سنت بودند، از محضر این دو امام کسب فیض می‌نمودند و ایشان نیز با سعه صدر احادیث و احکام جدشان را به آن‌ها می‌آموختند.

در کنگره عظیم و جهانی حج که ملت‌های مسلمان فارغ از هر نوع نژاد، رنگ، قومیت و مذهب به عشق زیارت خانه خدا و در جهت تمرین عملی بندگی، راه‌های طولانی را طی نموده‌اند، می‌توان با تأسّی به پیامبر اعظم و امامان معصوم(علیهم السلام) زیباترین صحنه‌های همراهی و همدلی و وحدت را به رخ جهانیان کشاند. این همراهی و وحدت می‌تواند در اوضاع سیاسی جهان و سرکوب نمودن نقشه‌های شوم بیگانگان تأثیرگذار باشد. کسانی‌که در ایام حج در سرزمین حجاز بوده‌اند، می‌دانند که چه‌قدر این حرکت الهی آموزنده و باعث افزایش وحدت و اتحاد عمومی بوده است.

باری، شرایط امروز مسلمین در جهان، بسیار حساس و پیچیده است. همه ترفندها و نقشه‌ها برای چپاول و غارت ثروت‌های مسلمین و استثمار آن‌ها به کار گرفته شده، حتی بعضی از سرانِ عرب به نوعی با بیگانگان همراه شده‌اند. امروز مردم مسلمان غزّه به جرم دفاع از سرزمین و حیثیت خود متجاوز از پنج هزار شهید و مجروح داده‌اند، در حالی‌که بعضی از سران عرب در این کشتار بی‌رحمانه، به نوعی با غاصبان صهیونیستی همراه هستند. این‌ها همه از نقشه‌های شوم اربابان استعمار در جهت شکستن صفوف مسلمین و امت‌های مسلمان است. لذا امام خمینی(ره) با درایت خاصی چاره اساسی حلِّ گرفتاری‌های مسلمانان را وحدت ایشان دانسته و فرموده‌اند:

«امروز چاره چیست و برای شکستن این بت‌ها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می‌باشد؟ یک چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت

مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده شدگان جهان است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید و مرکز این دعوت و تبلیغ، مکّه معظّمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است.»20

مقام معظم رهبری راه مقابله با نیرنگ‌های استعماری را وحدت دانسته، می‌فرمایند:

« حج... مظهر وحدت و اتحاد مسلمانان است. این‌که خداوند متعال همه مسلمانان و هرکه از ایشان را که بتواند، به نقطه‌ای خاص و در زمانی خاص فرا می‌خواند و در اعمال و حرکاتی که مظهر همزیستی و نظم و هماهنگی است، آنان را روزها و شب‌هایی در کنار یکدیگر مجتمع می‌سازد، نخستین اثر نمایانش، تزریق احساس وحدت و جماعت در یکایک آنان و نشان دادن شکوه و شوکت اجتماع مسلمین به آنان و سیراب کردن ذهن هر یک تن آنان از احساس عظمت است. با احساس این عظمت است که مسلمان اگر تنها در شکاف کوهی هم زندگی کند، خود را تنها حس نمی‌کند. با احساس این حقیقت است که مسلمین در هر یک از کشورهای اسلامی، شجاعت برخورد با اردوگاه ضدیت با اسلام؛ یعنی همین سلطه سیاسی، اقتصادی دنیای سرمایه‌سالاری و عوامل و ایادی آن و نیرنگ و فتنه‌گری آن را می‌یابند و افسون تحقیر ـ که اولین سلاح استعمارگران غربی در برابر ملل مورد تهاجمشان بوده و هست ـ در آنان نمی‌گیرد. با احساس این عظمت است که دولت‌های مسلمان با تکیه به مردم خود، از تکیه به قدرتهای بیگانه خود را بی‌نیاز حس می‌کنند.»21

3 ـ 3 ـ 1 تدوین منشور وحدت اسلامی

در روزهای آغازین سال 86 مقام معظم رهبری طرح ابتکاریِ تدوین منشور وحدت اسلامی را پیشنهاد دادند. این طرح می‌تواند بسیاری از گره‌های موجود در روابط میان مسلمانان را بگشاید. ایشان فرمودند:

«علاج اصلی، داروی اصلی برای امروزِ دنیای اسلام، داروی «اتحاد» است؛ باید با هم متحد بشوند. علما و روشنفکران اسلام بنشینند و منشور وحدت اسلامی را تنظیم کنند؛ منشوری تهیه کنند تا فلان آدم کج‌فهمِ متعصبِ وابسته به این، یا فلان، یا آن فرقه اسلامی، نتواند آزادانه جماعت کثیری از مسلمانان را متهم به خروج از اسلام کند؛ تکفیر کند. تهیه منشور جزو کارهایی است که تاریخ، امروز از روشنفکران اسلامی و علمای اسلامی مطالبه می‌کند. اگر شما این کار را نکنید، نسل‌های بعد از شما مؤاخذه خواهند کرد. می‌بینید دشمنیِ دشمنان را! می‌بینید تلاش آن‌ها را برای نابود کردن هویت اسلامی و ایجاد اختلاف بین امت اسلامی! بنشینید علاج کنید؛ اصول را بر فروع ترجیح بدهید.»22

تدوین منشور وحدت اسلامی، با توجه به وضعیت عمومیِ داخلی و منطقه‌ای، می‌تواند مبنایی مناسب برای اتخاذ استراتژی ایران در مقابل کشورهای اسلامی باشد. ظرفیت مناسب قانون اسلامی ما، نیاز روزافزون جهان اسلام به عنصر اتحاد، جایگاه ویژه و رو به رشد نظام جمهوری اسلامی در سطح منطقه و جهان اسلام و حصول فهم نسبی مشترک میان طیف قابل توجهی از نخبگان اسلامی پیرامون وحدت و... مجموعه‌ای از فرصت‌ها را پیش روی مسلمانان و جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. در چنین وضعیتی، عاقلانه‌ترین کار برای تمامیِ مذاهب، تدوین منشوری از بایدها و نبایدها بر اساس تحلیل واقع‌بینانه از هست و نیست‌های موجود است.

4 ـ 3 ـ 1ـ طراحی ساختارها و نهادهای بین المللی اسلامی

استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سازمان‌های کنفرانس اسلامی و نهادهای وابسته و نیز تقویت و توسعه آن و هم‌چنین تأسیس نهادهای بین‌المللی جدید برای پاسخ‌گویی به نیازهای جدید جهان اسلام می‌تواند مفید و ضروری تلقّی شود؛ از جمله این نهادها عبارت‌اند از:

الف: تأسیس دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه.

چنین مؤسسه‌ای می‌تواند زیر نظر سازمان کنفرانس اسلامی با کوشش فقها، متکلمان، فلاسفه و علمای اسلامی، مواضع فرق اسلامی را به یکدیگر نزدیک کند و مجموعه‌ای متقن از دیدگاه‌ها و آراء مستند و موثق آنان را در اختیار مسلمانان قرار دهد.

ب. تأسیس حوزه‌های علمیه مشترک

برای تدوین و تدریس فقه مقارن و تربیت فقها و برای ترویج و تبیین فقه قابل قبول اسلامی برای همه فرق و مذاهب، ایجاد وحدت رویه میان فقهای بزرگ اسلامی برای ارائه پاسخ‌های متقن و مورد وفاق برای مسائل مستحدثه، مشاکل و معضلاتِ پیش روی جهان اسلام، فهم و نقد نظام‌های حقوقی رایج بین‌المللی، شور در فتوا و زمینه‌سازی برای تضارب آرای فقهی و در نهایت تأسیس دارالافتای اسلامی، می‌تواند نقش تعیین کننده‌ای در کاهش تنش‌های نظری و عملی میان مسلمانان ایفا نماید.

ج. تأسیس مؤسسات فرهنگی مشترک

هم‌چنین از راهکارهای عملیِ شکل‌گیری وحدت، تأسیس مؤسسات فرهنگی مشترک است. ایجاد مؤسسات اطلاع‌رسانی مشترک و بین‌المللی ـ اسلامی، خبرگزاری، مؤسسات پژوهشی و آموزشی و تدوین دائره‌المعارف‌های مشترک، سرمایه‌گذاری برای تولید محصولات و بنگاه‌های فرهنگی مشترک؛ مانند بنیاد سینمایی، تولید فیلم‌ها و سریال‌های قابل قبول برای همه فرق، تألیف رمان‌های دینی، فلسفی، تاریخی و مانند آن؛ از جمله اقدامات مفید دیگری است که می‌تواند زمینه‌ساز وحدت مسلمین گردد.23

بدیهی است برای پیشبرد وحدت مسلمانان در سراسر جهان، این مؤسسات و مراکز اسلامی می‌تواند نقش مهمی را ایفا نماید. امروز دنیا شاهد پیشرفت سریع مراکز ترویج افکار ضدّ اسلامی می‌باشد؛ چه‌قدر خوب است مسلمانان نیز برای کمرنگ شدن توطئه‌های بیگانگان، اقدام به ایجاد مؤسسات اسلامی نمایند و موسم حج نیز بهترین زمان برای ترویج، تبلیغ و تبیین این نوع مؤسسات اسلامی است.

5 ـ 3 ـ 1ـ توجه به اشتراکات مسلمانان

امروز مسلمانان جهان، با برجسته کردن نقاط مشترک بسیاری، می‌توانند همرنگی و همدلی خود را به منصه ظهور برسانند. امام خمینی(ره) ضمن تأیید این نکته، بعضی از این نقاط مشترک را بیان می‌کنند:

الف. اسلام

ایشان اسلام را پرچم وحدت و یگانگی مسلمین نام برده و می‌فرمایند:

«علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده‌اند به این که مسلمین را تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.»24 «حبل ا اسلام است. صراط مستقیم، اسلام است. ریسمان بین حق و خلق، اسلام است.»25 «ما توجه نکردیم به دستورات اسلام که بین همه مسلمان‌ها عقد اخوت بسته است و همه را دعوت به اعتصام به حبل ا و پیروی از خط اسلام می‌فرماید.»26

ب. منافع و اهداف مشترک

امروز مسلمانان جهان، منافع مشترک بسیاری دارند که می‌توانند بر اساس آن به اتحاد و انسجام بیشتری دسترسی پیدا کنند؛ از جمله نکاتی که امام به زوّار بیت ا الحرام متذکر شده‌اند، تبادل نظر و تفاهم در خصوص مسائل مسلمین است. باری به واسطه توسعه ارتباطات و پیشرفت‌های علمی،

زمینه‌های مختلفی برای همفکری و همکاری بر اساس منافع و اهداف مشترک مسلمانان فراهم شده است که کنگره حج بهترین زمینه برای بهره‌گیری از آن می‌باشد. امام خمینی(ره) می‌فرماید:

««در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آرا نموده و در حلّ مشکلات و راه رسیدن به آرمان مقدس اسلام، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایید و راه‌های اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنید.»27

امام به واسطه این اهداف و منافع مشترک معتقد بودند که مسلمانان باید دارای ارتش مشترک باشند تا بتوانند از خود دفاع کنند:

«اگر ان شاء ا آن وحدت بین مسلمین و دولت‌های کشورهای اسلامی که خداوند تعالی و رسول عظیم الشأنش خواسته‌اند و امر به آن و اهتمام در آن فرموده‌اند حاصل شود، دولت‌های کشورهای اسلامی با پشتیبانی ملت‌ها می‌توانند یک ارتش مشترک دفاعیِ بیش از صد میلیونیِ تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده‌ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند، که بزرگترین قدرت را در جهان به دست آورند.»28

ج : شناسایی دشمن مشترک

تاریخ صدر اسلام گویای این حقیقت تلخ است که به خصوص در زمان حکومت حضرت علی(علیه السلام) نشناختن دشمنان واقعی از ضعف‌های مهم و اساسی مسلمانان بوده است؛ ضعفی که سبب کنارگذاشتن والیان واقعی حکومت اسلامی و پیاده نشدن احکام آن شد. عبرت گرفتن از این جریان، نویدبخش راه آیندگان و مانع از تکرار تاریخ خواهد شد. هم‌چنین نقشه دشمنانی را که در لباس‌ها و چهره‌های گوناگون در صدد ضربه زدن به کیان اسلام می‌باشند، برملا نموده است و پیروزی اسلام و مسلمین را به ارمغان می‌آورد.
بدین‌سان امام ضمن تأیید دشمن‌شناسی به عنوان یک وظیفه مستمر می‌فرماید: «باید شما دشمنتان را بشناسید. اگر نشناسید، نمی‌توانید دفعش بکنید.»29

«ما باید در کارهایی که دشمن‌های ما می‌کنند دقت کنیم و تحلیل کنیم، ببینیم که آن‌ها به چه چیز زیاد اهمیت می‌دهند و انگشت روی چه حیثیتی از حیثیت‌های مسلمین می‌گذارند و بفهمیم که آنچه که آنها بر آن اصرار دارند همانی است که برای مسلمین و برای بشر بد است. ما از گفتار و کردار آنها باید کشف کنیم که آنها چه می‌خواهند و ما باید چه بکنیم... هر راهی را که آنها انتخاب کرده‌اند، ما باید راه مقابلش را انتخاب کنیم...»30

مقام معظم رهبری حضرت آیت ا خامنه‌ای نیز درباره اهمیت دشمن‌شناسی فرموده‌اند:

«نباید در شناخت دشمن اشتباه کرد. نباید این گمان و تصوّر را پیدا کرد که دشمن از دشمنی با اسلام و مسلمین دست برداشته است.»31

اگر شناسایی دشمنان به صورت اصولی و همگانی باشد، همه مسلمانان به این نتیجه می‌رسند که دارای دشمن واحد هستند و می‌توانند با همفکری او را از بین ببرند. امام خمینی(ره) در این باره می‌گویند:

«به حجاج محترم و زائران بیت ا الحرام، از هر کشور و هر طایفه و تابع هر مذهب هستند، متواضعانه عرض می‌کنم شما همه ملت اسلام و تابع پیامبر و پیرو دستورات قرآن مجید هستید؛ و همه، دشمنان غدار مشترک دارید.»32

آن‌چه که می‌تواند در شناسایی دشمنان، به امت اسلامی کمک کند، علل دشمنی دشمنان است. بدیهی است توجه به علل دشمنی بیگانگان، کمک بسزایی در شناسایی آن‌ها خواهد داشت. امام معتقد بودند گسترش اسلام و به خطر افتادن منافع استعمارگران، یکی از علل دشمنی بیگانگان است، ایشان می‌فرمود:

«آن‌ها (بیگانگان) خوف این را دارند که اسلام به آن طوری که هست گسترش پیدا کند و همه کشورهای اسلامی را بگیرد و به همه مستضعفین جهان پرتو بیفکند. آن‌ها خوف این را دارند.»33

امام به این نکته واقف بودند که دشمن گسترش اسلام را مساوی با نابودی خود و منافعش می‌داند، بدین جهت می‌فرمود:

«نقشه‌های حساب شده در کار است برای شکستن اسلام. مقصد اصیل این است که اینها چون از اسلام سیلی خورده‌اند و... لهذا، دشمن اصلی، اسلام است!»34

مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید:

آری، امروز دشمنی اردوگاه استکبار به خاطر اسلام است. آن‌ها با اسلام دشمن‌اند و همه ملت‌های مسلمانی که در راه اسلام مایل به فداکاری و حرکت هستند، باید برای مقابله با دشمنان اسلام خود را

آماده کنند.

بر این اساس است که امام(ره) به حجاج بیت‌ا‌ الحرام توصیه می‌کردند در موسم حج ضمن شناسایی دشمن واقعی خود، با وحدت و همدلی، سعی کنید از هرگونه تفرقه و اختلاف بپرهیزید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به حجاج بیت ا‌ الحرام چنین هشدار می‌دهد:

«بی‌خبری از حوادث دیگر بلاد اسلامی و ناهشیاری در برابر نقشه‌های دشمنان دوباره اسلام و مسلمین، و بسی بیماری‌های مهلک دیگر که در طول تاریخ اسلام بر اثر تسلط نااهلان و ازخدابی‌خبران بر زندگی سیاسی و سرنوشت مسلمین، همواره مسلمانان را تهدید کرده و در قرن‌های اخیر، با حضور قدرت‌های استعماری بیگانه در منطقه یا دست‌نشاندگان فاسد و دنیا پرستشان، شکلی بحرانی و ویرانگر به خود گرفته است.»35

باری، در موسم حج، افراد و گروه‌های زیادی از مناطق، نژادها و سلیقه‌های گوناگون در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و وحدت و همدلی میان آنان شکل گرفته و دل‌هایشان را به یکدیگر نزدیک می‌کند. تلاقی و همدمی افراد و گروه‌های مختلف، از میقات آغاز شده و در طواف و سعی، عرفات و مشعر و منا به اوج خود می‌رسد.

2. برائت از مشرکان

در مکه، همه مسلمانان فارغ از نژاد، رنگ، قومیت، نسب و مانند آن، خود را در برابر خدا می‌یابند. گویی انسان‌ها در آن مکان مقدس، همه منیّت‌ها را کنار زده و توجه خود را به پروردگار هستی معطوف می‌سازند؛ چراکه خود را در برابر کعبه که نماد توحید است می‌بینند؛ نخستین خانه توحید و بی‌سابقه‌ترین معبدی که در روی زمین به وجود آمد؛ خانه‌ای که برای مردم و محلّ برکت است:

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّهَ مُبارَكاً وَ هُدیً لِلْعالَمِینَ).36

«نخستین خانه‌ای که در سرزمین مکه برای مردم قرار داده شد و پربرکت و مایه هدایت جهانیان است.»

بر این اساس است که امام خمینی(ره) مکه را محلّ نشر توحید دانسته، گفتند:

«ابراهیم خلیل، در اول زمان و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود ـ روحی فداه ـ در آخر زمان، از کعبه ندای توحید سردادند و می‌دهند.»37

مقام معظم رهبری نیز گفته‌اند:

«کعبه خانه توحید است. این‌که در آیات کریمه مربوط به حج، بارها از ذکرا سخن رفته، نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیرخدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود.»38

حال که کعبه نخستین مرکز عبادی و اوّلین خانه توحیدی است، باید از هر آن‌چه غیر اوست پاک شود و باید همه بت‌ها که مظاهر شرک هستند، از آنجا برچیده شوند.

این پدرِ توحید (حضرت ابراهیم)، به ما و همه انسان‌ها آموخت که قربانی در راه خدا پیش از آن‌که جنبه توحیدی و عبادی داشته باشد، جنبه‌های سیاسی و ارزش‌های اجتماعی دارد. او به ما و همه آموخت که عزیزترین ثمره حیات خود را در راه خدا بدهید و عیدی بگیرید. خود و عزیزان خود را فدا کنید و دین خدا و عدل الهی را برپا نمایید. به ذریه آدم فهماند که مکه و منا قربانگاه عاشقان است.39

آن‌چه را که امام و رهبری تأکید کرده‌اند، شناخت مصادیق شرک است. این امر کمک می‌کند که ملت‌ها در هر زمان و در هر وضعیتی، با نمادهای شرک مبارزه کنند:

«مگر ابرقدرت‌های زمان ما، بت‌های بزرگی نیستند که جهانیان را به اطاعت و کرنش و پرستش خود می‌خوانند و با زور و زر و تزویر خود را به آنان تحمیل می‌نمایند؟ کعبه معظّمه یکتا مرکز شکستن این بت‌ها است.»40

اگر این رویکرد و نگاه عمیق به مصادیقِ شرک، در ایام حج میان ملت‌ها همگانی شود و همه ملت‌ها دریابندکه زورگویان امروز دنیا و متکبران عالم؛ یعنی آمریکا و دول دیگر، از مصادیق بت‌های زر و زور هستند، زمینه طرد آن‌ها را از خود در حرم امن الهی و هرجای عالم بهتر فراهم می‌کنند. رهبر

معظم انقلاب اسلامی در تبیین این مسأله می‌گویند:

«شرک همواره به یک گونه نیست، و بت همیشه به شکل هیاکل چوب و سنگ و فلز ظاهر نمی‌شود. خانه‌ی خدا و حج باید در همه‌ی زمانها شرک را در لباس خاص آن زمان، و بت شریک خدا را با جلوه‌ی مخصوص آن بشناساند و نفی و طرد کند. امروز البته از «لات» و «منات» و «عُزّی» خبری نیست، اما به جای آن و خطرناکتر از آن، بتهای زر و زور استکبار و نظامهای جاهلی و استکباری است که همه‌ی فضای زندگی مسلمین را در کشورهای اسلامی فرا گرفته است.

بتی که بسیاری از مردم جهان و از جمله بسیاری از مسلمین، امروز به جبر و تحمیل، به عبادت و اطاعت از آن وادار می‌شوند، بت قدرت امریکا است که همه‌ی شؤون فرهنگی و سیاسی و اقتصادی مسلمین را در قبضه گرفته و ملتها را خواه و ناخواه در جهت منافع واغراض خود ـ که نقطه‌ی مقابل مصالح مسلمین است ـ حرکت می‌دهد..»41

آری، از آن‌جا که روح حج توحید است و توحید و شرک با یکدیگر ناسازگارند، قرآن مجید مسلمانان را در مناسک حج به تبرّی از شرک فراخوانده و می‌فرماید:

(وَأَذانٌ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الأَكْبَرِ أَنَّ اللهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...).42

«و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به عموم مردم در روز حجّ اکبر (روز عید قربان) که خدا و پیامبرِ او از مشرکان بیزارند.»

این مرحله از عملیات حج آن قدر اهمیت دارد که اگر آن را حذف کنیم، حج، دیگر واقعی نخواهد بود. امام بت شکن، خمینی کبیر(ره) واقعیت حج را این‌گونه توصیف می‌کند:

«حجِ بی‌روح و بی‌تحرّک و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، و حجّی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست.»43

امام این برائت جستن از بیگانگان را مربوط به دوره خاصی نمی‌دانند و معتقدند در همه زمان‌ها باید ندای برائت و بیزاری از دشمنان اسلام زمزمه حاجیان باشد و همه یکصدا آن را فریاد بزنند:

«فریاد برائت ازمشرکان مخصوص به‌زمان خاص نیست، این دستور است وجاوید.»44

مقام معظم رهبری ضمن تأیید دیدگاه حضرت امام(ره) حج را برترین جایگاه برائت از مشرکین دانسته، می‌فرماید:

«فریاد برائت که امروز مسلمان در حج سر می‌دهد، فریاد برائت از استکبار و ایادی آن است که معالاسف در کشورهای اسلامی قدرتمندانه اعمال نفوذ می‌کنند و با تحمیل فرهنگ و سیاست و نظام زندگی شرک‌آلود بر جوامع اسلامی، پایه‌های توحید عملی را در زندگی مسلمانان منهدم ساخته و آنان را دچار عبادت غیرخدا کرده‌اند.»45

مقام معظم رهبری هم‌چنین معتقدند، حجّ علوی و حجّ حسینی، حجّی است که در عین توجه به خداوند و توجه به حکومت الهی و قدرت او، پشت کردن به قدرت طواغیت و جباران هم در آن هست. ایشان هر آن‌چه را که جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند و نیرو و اراده بشر را در اختیار بگیرد، بت دانسته و می‌فرماید:

«حج، مظهر توحید و نفی و رمی شیطان و تکرار شعار ابراهیم(علیه السلام) است که گفت: (أَنَّ اللَّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ)؛ صحنه اتحاد عظیم امت اسلامی برگرد محور توحید وبرائت از مشرکین و نفی و طرد همه بت‌ها است وبت، هر آن چیزی است که به جای خدا قرار گیرد و ولایت الهی را به ولایت خود تبدیل کند ونیرو واراده افراد بشر را در اختیار بگیرد؛ حال چه سنگ و چوب، و چه قدرتهای شیطانیِ سلطه‌گر و جبار، و چه عصبیت‌های جاهلی و ناحق.»46

نقش برائت از مشرکین در جهان اسلام

الف) نفی قدرت‌های استکباری

با اعلام بیزاری از قدرت‌های سلطه‌جو و استعماری، زمینه‌های اضمحلال و نابودی آن‌ها از سوی ملت‌ها مهیّا شده و می‌کوشند زمینه‌های دخالت بیگانگان را در کشور خود از بین ببرند. وقتی آحاد ملت‌های مسلمان، دست در دست هم قرار داده و خواستار خروج استعمارگران از مناطق و سرزمین‌های خود شوند،

دیگر جرأت نمی‌کنند دست به توطئه بزنند. امروز در میان سران مسلمان دولت‌های اسلامی هنوز پدیده شوم ارتباط با قدرت‌های بیگانه وجود دارد. بعضی از دولت‌های اسلامی و عربی در منطقه، هنوز سر مست روابط با آمریکا و ولد نامشروع او؛ یعنی اسرائیل هستند و جای بسی تأسف است که چرا این گرایش هنوز وجود دارد. علی‌رغم این رفتارهای خائنانه، آحاد ملت‌ها و بسیاری از دولت‌ها به خوبی فهمیده‌اند که دشمنان درصدد استثمار و استعمار آنان می‌باشند، لذا با اعلان انزجار خود، زمینه نفی سلطه و قدرت‌طلبی آنان را در منطقه فراهم کرده‌اند. راه برون‌رفت از این سلطه‌طلبی و سلطه‌پذیری، اتحاد و انسجام همه مسلمانان در این امر خطیر است. اتحاد در برابر زورگویی‌ها و تجاوزات، اتحاد در نفی وابستگی به دول غربی و اتحاد در برائت از دشمنان، قدرت‌طلبی‌های آنان را از بین می‌برد. مقام معظم رهبری در تقبیح شرک مدرن می‌فرمایند:

«گویی خدای دنیا ـ معاذاﷲ ـ جباران و زورگویان و چپاولگران و ابرقدرتها و جنایتکاران‌اند و استضعاف و استعباد و استثمار خلایق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا حق مسلّم آنهاست، و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری و میل و اراده بدمهار آنان تسلیم باشند... این، همان شرکی است که امروز مسلمانان باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند.»47

ب) به هم پیوستن مسلمانان

از آثار دیگرِ برائت از مشرکان، به هم پیوستن مسلمین جهان است. امام امت به این نکته کاملاً واقف بودند که برائت واقعی در سایه اتحاد و انسجام آحاد مسلمانان فارغ از هرگونه امتیاز می‌باشد.

وقتی مسلمانان، جبهه مشرکان و دشمنان را تشخیص دادند، می‌کوشند صف مقابله با آنان را در بین خود یکی کنند؛ می‌کوشند اختلافات جزئی و سطحی را کنارگذاشته و آماده طرد و نفی و برائت دشمنان واقعی شوند. بدیهی است لازمه و نتیجه این برائت، اتحاد صفوف مسلمین در برابر کفار و بیگانگان است. امام امت می‌فرماید:

«لازم است حجاج بیت اﷲ الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان انسانی، فریاد برائت از ظالمان و ستمکاران را هرچه رساتر برآورند و دست برادری را هرچه بیشتر بفشارند و مصالح عالیه اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه گرایی و ملی‌گرایی نکنند و برادران مسْلم خود را هرچه بیشتر متوجه به توحید کلمه و ترک عصبیت‌های جاهلی که جز به نفع جهانخواران و وابستگان آنان تمام نمی‌شود، بنمایند.» 48

ج) آگاهی و بیداری ساده دلان

وقتی توده‌های میلیونیِ ملت‌ها و آحاد مسلمین دست در دست یکدیگر، به نفی دشمنان و بیگانگان و بیزاری از آنان می‌پردازند، باعث می‌شود حتی کسانی که نسبت به بیگانگان و حرکت‌های سوء آنان اظهار تردید و دو دلی کرده‌اند، نیز به خیل عظیم مسلمانان بپیوندند. امام خمینی(ره) درباره برائت از مشرکین سخن حکیمانه‌ای دارند و می‌فرمایند:

«در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می‌فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد.»49

3. فرهنگ سازی

اسلام برترین برنامه آسمانی است‌که از طرف خدا توسط نبی مکرم اسلام، محمد بن عبدالله(صلی ا علیه و آله) برای رستگاری و سعادت انسان‌ها فرستاده شد. برنامه‌ای‌که دربردارنده ویژگی‌ها و امتیازات بزرگی است.

این امتیازات، زمینه پاسخگویی نیازهای انسان‌ها را در همه اعصار فراهم نموده است؛ از جمله این امتیازات، جامعیت آموزه‌های اسلامی است که توانسته است در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نیز ابعاد فردی و شخصی، گره‌گشای مشکلات بشر باشد. متأسفانه در دهه‌های اخیر، بیگانگان فعالیت‌های زیادی را در پیش گرفته‌اند تا چهره‌ای غیر واقعی از اسلام در جهان ارائه کنند. تحریف آموزه‌های اسلامی و اختلاف در صفوف مسلمین، بخشی از این ترفندِ حساب‌شده دشمنان است. بر رهبران دینی مسلمان‌هاست که در این موقعیت حساس، آموزه‌های صحیح اسلام را برای توده‌های مردم تبیین کنند تا مسلمانان دچار انحراف و سردرگمی نشوند. دیده‌بانان جبهه اعتقادی باید بکوشند زمینه درست اندیشی را در میان مردم رونق دهند و از این راه، از تفسیرهای نادرست و ناصواب و پیرایه‌های نابجایی‌که دین را در معرض خطر قرار می‌دهد، جلوگیری نمایند. شکوه این فرهنگ‌سازی را می‌توان در موسم حج و برپایی کنگره عظیم اسلامی دید؛ چراکه بهترین فرصت، جهت رشد اندیشه و آگاهی مسلمانان، رشد همزیستی مسالمت آمیز و همگرایی آنان است و در این ایام است که زمینه‌سازی برای تشکیل امت واحد اسلامی، رشد اخلاق اجتماعی و تقویت هویت اجتماعی مسلمانان و مانند آن به وجود می‌آید و از همین رو است که امام

خمینی و مقام معظم رهبری، آگاهی‌بخشی و فرهنگ‌سازی در موسم حج را از رسالت‌های مهم عالمان دینی شمرده‌اند.

3-1- بررسی مسائل و مشکلات جهان اسلام

حج، عرصه تلاقی اندیشه‌های شکل گرفته در عالم اسلام است. در این تلاقی، مناسب است مسائل و مشکلات مسلمانان هم مرور شود تا جهت رفع آن اقدامات عملی صورت پذیرد. امام خمینی(ره) می‌گویند:

« باید در این اجتماع عظیم الهی که هیچ قدرتی جز قدرت لایزال خداوند نمی‌تواند آن را فراهم کند، مسلمانان به بررسی مشکلات عمومی مسلمین پرداخته و درراه رفع آنها با مشورت همگانی کوشش کنند...»50

مقام معظم رهبری ضمن تأیید این مطلب گفته‌اند:

« موضوع مهم دیگری که حجاج بیت‌ا... به عنوان بخشی از هدف حج باید به آن بپردازند، مسایل مهم و جاری جهان اسلام است.»51

بدیهی است بررسی مشکلات، این زمینه را به وجود می‌آورد که مسلمانان از وضعیت یکدیگر آگاه شوند و در جریان کمبودها و مشکلات قرار گیرند تا بر اساس آن، راهکارهای لازم را در جهت رفع آن اتخاذ نمایند.

3-2- آگاهی از نقشه های شوم بیگانگان

از مسائلی که لازم است در ایام حج فرهنگ‌سازی شود، بیان نقشه‌های شوم دشمنان اسلام در جهت سست نمودن اسلام و مسلمانان است. باید مسلمین در اقصی نقاط عالم از شگردهای پیچیده دشمنان آگاهی یابند تا مبادا آلت دست بیگانگان واقع شوند. امام خمینی1 در این باره می‌فرمایند:

«ای زائران خانه خدا! توطئه‌های راست و چپ و خصوص آمریکای چپاولگر و متجاوز و اسرائیل جنایتکار را به گوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید.»52

مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند:

«در ظلمات سلطه استکبار و ظلم بر جهانِ امروز، اسلام و قرآن یگانه ملجأیی است که می‌تواند ملتها را نجات دهد و به همین جهت، قدرتهای زورگوی جهانی، تا آنجا که بتوانند، با اسلام مقابله می‌کنند و در راه حاکمیت آن مانع می‌سازند.»53

بدیهی است از نکاتی که مورد توجه حضرت امام و رهبری می‌باشد، بیان شیوه‌های مبارزه دشمنان با اسلام است که در بیداری مسلمانان نقش زیادی دارد. بعضی از این شیوه‌ها را به‌طور گذرا مرور می‌کنیم:

الف. تحقیر فرهنگ اسلامی

دشمن به خوبی درک کرده است که اگر ملت‌های مسلمان به فرهنگ خود اتّکا نداشته باشند، زمینه فروپاشی استقلال فکری و در نتیجه پذیرش همه برنامه‌ها‌های استعماری توسط آنان فراهم خواهد شد. اعتراف صهیونیست‌ها در کنفرانس علمی و تحقیقاتی، که به منظور دستیابی به بهترین راه مبارزه با اسلام ترتیب یافت، گویای این واقعیت بودکه تحقیر فرهنگ، بستر مناسبی در جهت پیاده شدن اهداف بیگانگان است.54 بر این اساس است که آنان می‌کوشند زمینه‌های خودباوری در میان مسمانان ترویج شود تا آن نوع نقشه‌ها را خنثی نماید. امام(ره) می‌گویند:

« مسلمانها باید خودشان را پیدا کنند؛ یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند، خودشان یک کشوری دارند، خودشان یک شخصیتی دارند.»55

موسم حج، فرصت مناسبی است برای تبیین فرهنگ اسلام و فرهنگ غرب. در این موسم عبادی ـ سیاسی که در مکانی مقدس برگزار می‌گردد، می‌توان تقابل فرهنگ غرب و فرهنگ اسلام را بیان کرد و از نقشه‌های شوم دشمنان در جهت بی هویتی و القای فرهنگ خود پرده برداشت.

باری، نماد حرکت اسلامی در میان مسلمانان، طغیان علیه ارزش‌های جاهلی و غربی است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌گویند:

«حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی، عبارت است از طغیان بر ارزش‌های جاهلی و نظام‌های طاغوتی که بشر را به زنجیرکشیده و موجب ظلم و فساد و تبعیض طبقاتی و نژادی و فحشای عمومی و ستم‌پذیری توده‌ها و دیگر بدبختی‌های ملت‌ها شده و همه چیز را فدای سود بیشتر و حاکمیت ظالمانه بیشتر صاحبان زر و زور

نموده است. پس، حرکت صحیح اسلامی، صف‌بندی میان دو نظام ارزشی و مبارزه میان دو فرهنگ است؛ فرهنگ به زنجیر کشیدن بشر، و فرهنگ نجات بشر.»56

در فرازی دیگر، مقام معظم رهبری فرهنگ به زنجیرکشیدن بشر؛ یعنی فرهنگ غربی را این گونه توصیف می‌کنند:

«فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‌ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و بغض با ارزش‌ها و درخشندگی‌ها و فضیلت‌های انسانی است، فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراتوران قدرت است. با این فرهنگ، درصددند نسل بنی‌آدم را از همه‌ی فضایل انسانی تهی‌دست کنند و انسانها را به موجودات فاسد و مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. منافع آنها، جز از طریق گسترش این فرهنگ تأمین نمی‌شود.»57

ب. محو آثار دیانت

از شیوه‌های دیگر دشمنان دین برای رسیدن به اهداف خود، از بین بردن آثار دینداری است. آن‌ها خوب فهمیده‌اند که این نوع آثار، پیام‌های ویژه خود را دارد؛ پیام‌هایی که می‌تواند استمراربخش حرکت توده ملت‌ها علیه استکبار باشد. امام خمینی(ره) فرموده‌اند:

«دستهای خیانتکار اجانب که می‌خواستند شرق را ـ و خصوصاً بلاد اسلامی را ـ برای منافع خودشان قبضه کنند، با مطالعاتی که کرده بودند در این بلاد... به آنجا رسیده‌اند که نگذارند مسلمین متمسک به قرآن باشند. قرآن را آنها سد راه می‌دانستند. اگر مسلمین همه متمسک به قرآن می‌شدند، برای آنها مجالی باقی نمی‌ماند. قرآن را و اسلام را از مردم جدا کردند؛ ملتها از اسلام جدا شدند...58

می‌خواهند طلاب علوم دینی را از علوم اسلامی باز دارند که احکام اسلام به طاق نسیان سپرده شود و محو آثار دیانت به دست خودمان تحقق پیدا کند، و جوانان دانشگاهی ما را انگل و متکی به قشرهای استعماری بار بیاورند که همه کس چون همه چیز وارداتی باشد و... و این خطر بزرگی است.»59

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند:

«مبارزه قدرت‌های استکباری با اسلام... با جدیت دنبال شد... اکنون دولت‌های استکباری مانند آمریکا

و انگلیس و امثال آنان، پول‌های گزافی را در راه این خصومت‌های جنایت‌آمیز خرج می‌کنند.... نکته مهم آن است که این حرکات خصمانه، ناشی از احساس ضعف اردوگاه استکبار در برابر اسلام است.

...امروز ایادی استکبار جهانی در همه‌جا در برابر اسلام موضع انفعالی دارند و کینه‌ورزی آنان با اسلام، چه با شیوه‌های فرهنگی و چه سیاسی با زور و سرنیزه، از روی احساس ضعف و ترس در برابر موج فزاینده اسلام است...

این نیز یکی از الطاف الهی است که هر اقدام آنان برای توهین یا ضربه زدن به اسلام، خود به عاملی برای شدت یافتن خشم مسلمانان و راسخ شدن اراده آنان در دفاع از اسلام تبدیل می‌شود.»60

ج. ترویج اسلام آمریکایی

از شیوه‌هایی که امروز دشمنان در میان مسلمانان به کار می‌گیرند، تحریف اسلام وآموزه‌های نورانی آن است. آنان همواره می‌کوشند اسلامی را که در آن هیچ‌گونه مبارزه با ظلم و ضدّ ارزش نباشد ارائه کنند؛ اسلامی که فقط به جنبه‌های عبادی بپردازد و فارغ از مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود باشد. امام خمینی(ره) در این باره می‌گوید:

«امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام مـّلاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلـّت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرهنه‌ها، و در یک کلمه «اسلام آمریکایی» را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور خویش، آمریکای جهانخوار می‌گذارند.»61

مقام معظم رهبری از ماهیت اسلام آمریکایی این گونه پرده برمی‌دارد:

«اسلام آمریکایی، چیزی به نام اسلام است که در خدمت منافع قدرتهای استکباری و توجیه‌ کننده اعمال آن‌ها است؛ بهانه‌ای برای انزوای اهل دین و نپرداختن آنان به امور مسلمین و سرنوشت ملت‌های مسلمان است؛ وسیله‌ای برای جدا کردن بخش عظیمی از احکام اجتماعی و سیاسی اسلام از مجموعه دین و منحصر کردن دین به مسجد است (و مسجد نه به عنوان پایگاهی برای رتق و فتق امور مسلمین ـ چنانکه درصدر اسلام بوده است ـ بلکه به عنوان گوشه‌ای برای جدا شدن از زندگی و جدا کردن دنیا و آخرت).

اسلام آمریکایی، اسلام انسان‌های بی‌درد و بی‌سوزی است که جز به خود و به رفاه حیوانی خود نمی‌اندیشند... اسلام آمریکایی، اسلام سلاطین و رؤسایی است که منافع ملت‌های محروم و مظلوم خود را در آستانه آلهه آمریکایی و اروپایی قربان می‌کنند و در مقابل، به حمایت آنان برای ادامه حکومت و قدرت ننگین خود چشم می‌دوزند.»62

د. تسلّط بر خاورمیانه

از نقشه های دیگر بیگانگان تسلّط بر خاورمیانه است. محدوده‌ای که امروز خاورمیانه نامیده می‌شود، یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی جهان است که در طی قرون و اعصارِ متمادی، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. حدّ فاصل این محدوده، حدّ فاصل دریای سرخ در شمال غرب، منطقه قفقاز و دریای خزر در شمال و مرزهای شرقی ایران در شرق و دریای عرب و اقیانوس هند در جنوب می‌شود (و کشورهای ایران، ترکیه، سوریه، عراق، لبنان، فلسطین اشغالی، اردن، عربستان، یمن، عمان و شیخ نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را در برمی‌گیرد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در این منطقه وجود دارد عبارت‌اند از:

1. کوتاه‌ترین واسطه خشکی میان مرکز اوراسیا با آب‌های آزاد است.

2. بیش از 70 درصد ذخایر انرژی هیدروکربن جهان در این منطقه قرار دارد.

3. کوتاه‌ترین فاصله خشکی میان جبهه دفاعی اروپای غربی در غرب اوراسیا با جبهه دفاعی جنوب شرق آسیاست.

4. وجود تنگه‌ها و آبراه‌های استراتژیکی و فوق العاده حساسِ جهان؛ همچون تنگه هرمز، تنگه باب المندب، کانال سوئز، تنگه بسفر، داردانل و... اهمیت نظامی و ژئواستراتژیکی خاورمیانه را برای بیگانگان دوچندان نموده است.

5. حساس‌ترین قلمروهای ژئواستراتژیک جهان را شاخک‌ها (برنج‌ها)ی عملیاتی تشکیل می‌دهند. در وضعیت کنونی، در مقیاس جهانی صحنه عملیاتی، حوزه پاسیفیک است و مهم‌ترین شاخک‌های صحنه عملیاتی پاسیفیک نیز در درجه اوّل شاخک خلیج فارس و در درجه بعدی شاخک دریای سرخ است که هر دوی این شاخک‌های علمیاتی، در جبهه ژئواستراتژیکی خاورمیانه قرار دارند. از این نظر هم اهمیت این منطقه زیاد است.

با توجه به این ویژگی‌ها، خاورمیانه همزمان از نظر سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برای بیگانگان مهم بوده و هارتلند (قلب زمین) شده است.63 با این امتیازات، بدیهی است دولت‌های بیگانه در صدد سلطه بر این منطقه و منابع آن باشند. لذا حضرت امام می‌فرمود:

«در شرق (خاورمیانه) چون مخازن زیاد است، مخازن نفت° زیاد در شرق هست مثل کویت، مثل حجاز، مثل ایران، در اینجا اینطور مخازن هست، آن خارجیها تمام چشمشان دوخته شده است به این مخازن ما.»64

امام خمینی(ره)معتقد بودند جنگ افروزی‌ها و ایجاد اختلاف برای این است که آن‌ها سلطه خود را در منطقه برگردانند. ایشان می‌گویند:

«قدرت‌های بزرگ که دستشان از مخازن بزرگ ایران کوتاه شده و سلطه وقدرتشان با همت ملت ایران و قوای مسلح آن قطع گردیده، اکنون به دست وپا افتاده‌اند تا با جنگ افروزی بین برادران، سلطه خود را اعاده دهند و چپاولگری خود را از سر گیرند.»65

مقام معظم رهبری در خصوص این منطقه حساس و توطئه آمریکا می‌گویند:

«مسأله بسیار مهم، سلطه روزافزون شیطان بزرگ بر ذخایر کشورهای اسلامی و حضور بیش‌ازپیش سیاسی و اقتصادی و حتّی نظامی آن در این کشورهاست. این ابرقدرت ظالم و سلطه‌طلب، پس از تحوّلات اخیر جهان که منتهی به فرو ریختن نظام‌های الحادی کمونیستی شد و شوروی از موضع رقابت با آمریکا فرو افتاد، درصدد است که سراسر جهان و به‌خصوص مناطق زرخیز اسلامی را به منطقه نفوذ بدون‌رقیب خود مبدل سازد و پس از فراغت از ـ به اصطلاح ـ جنگ سرد، به جنگ همه‌ جانبه‌ای با بیداری اسلامی ـ که مانع مستحکمی در راه این نفوذ است ـ کمر بسته است.

این حکومت شیطانی، بنا بر مقتضای طبیعت ضد فطری و ضد انسانی خود، از درون دچار معضلات لاینحلی است؛ لیکن به اقتضای همان طبیعت استکباری و جهانخواری، می‌کوشد که مشکلات خود را به کل جهان منتقل کند و با تسلط بر همه مراکز حساس و ثروت‌خیز عالم، از جمله خاورمیانه و مخصوصاً خلیج فارس، به حیات خود قدرتمندانه‌تر از پیش ادامه دهد.»66

3-3- بیان مظلومیت ملت فلسطین و جنایات اسرائیل

از مسائل مهمی که بارها امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری بر آن تأکید داشته‌اند، مسأله فلسطین است. شاید بتوان گفت که حضرت امام در بسیاری از پیام‌هایش از مظلومیت ملت فلسطین و جنایت های رژیم اشغالگر صهیونیستی یاد کرده و از ملت‌ها خواسته‌اند در این باره هم اندیشی کنند. ایشان ضمن اظهار تأسف از برخورد حکومت‌های اسلامی درباره مسأله فلسطین وبیداری مسلمین می‌گوید:

«ننگ نیست بر کشورهای اسلامی، بر حکومت‌های کشورهای اسلامی که اسرائیل بیاید و فلسطینی‌ها را آن‌طور (اذیت) کند؟ در لبنان آن جنایت‌ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی می‌ترسند این‌ها؟ چرا باید این قدر بی‌عرضه باشند؟»67

«... وقتی می‌روید حج، این مسلمین بلاد را بیدار کنید، متحد کنید با هم، بفهمانید به آن‌ها که چرا باید بیش از یک میلیارد مسلمین تحت فشار دوتا قدرت چندصدمیلیونی باشند؟»68

مقام معظم رهبری در یکی از پیام‌های خود به حجاج بیت الله الحرام، مسأله فلسطین را مهم‌ترین مسأله روز و بشریت دانسته و از مسلمین جهان و زائران بیت الله الحرام می‌خواهند در سراسر جهان برای حلّ آن چاره‌اندیشی نمایند.

«مهمترین مسأله امروز، مسأله فلسطین است که در نیم قرن اخیر همواره مهمترین مسأله جهان اسلام و شاید مهمترین مسأله بشریت بوده است. اینجا سخن از محنت و آوارگی و مظلومیت یک ملت است؛ سخن از غصب یک کشور است؛ سخن از ایجاد غده‌ای سرطانی در قلب کشورهای اسلامی و در نقطه التقای شرق و غرب جهان اسلام به یکدیگر است؛ اینجا سخن از ظلم مستمری است که اکنون دو نسل پی‌درپی از ملت مسلمان فلسطین را فرا گرفته است. امروزه که قیام خونین اسلامی متکی به توده‌های مردم در سرزمین فلسطین، خطر واقعی و جدی را به اشغالگران بی‌وجدان و بیگانه از انسانیت و بی‌محابا از جنایت گوشزد می‌کند، شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسأله را از همیشه جدیتر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند...»69

امام خمینی(ره) معتقدند که فلسفه حج باید جوابگوی فریادهای مظلومانه ملت‌های مسلمان باشد. از منظر امام باید گردش دور خانه خدا، ما را از غیر او دور گرداند و رجم عقبات باید زمینه‌ساز طرد شیاطین انسی و ابرقدرت‌ها شود:

« امروز قبله اول مسلمین به دست اسرائیل، این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است. امروز برادران

فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون می کشد... امروز آفریقای مسلمان صدای فریاد مظلومانه خود را هر چه بیشتر بلند می‌کند. فلسفه حج باید جوابگوی این فریادهای مظلومانه باشد. گردش به دور خانه خدا نشان دهنده این است که به غیر از خدا گِرد دیگری نگردید. و رَجْم عَقَبات، رجم شیاطین انس و جن است. شما با رجم، با خدای خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابرقدرت‌ها را از کشورهای اسلامی عزیز برانید. امروز جهان اسلام به دست آمریکا گرفتار است. شما برای مسلمانان قاره‌های مختلف جهان پیامی از خداوند ببرید؛ پیامی که به غیر از خدا، بردگی و بندگی هیچ کس را نداشته باشید.»70

از منظر مقام معظم رهبری، علاج مسأله فلسطین در قطع غده سرطانی؛ یعنی اسرائیل است:

«ما علاج مسأله فلسطین را در راه‌حل‌های دیکته شده ابرقدرت‌ها نمی‌دانیم؛ علاج زخم فلسطین، فقط قلع غده سرطانی حکومت صهیونیستی است و این کاملاً ممکن است. مسلمانان در حج باید به این مسأله اندیشیده، برای آن متعهد شده و هماهنگ شعار و عمل را در راه آن به کار برند... شما حاجیان نیز دارای همین وظیفه‌اید و اگر همه به وظیفه عمل کنیم، زخم عمیق پیکر اسلام بهبود خواهد یافت و ـ ان‌شاءالله ـ خدا با ماست.»71

باری از منظر رهبری معظم انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین خطر برای حال و آینده جهان اسلام، دولت غاصب صهیونیست است. بر مسلمانان است در این رابطه هم اندیشی داشته باشند.

«امروز دولت غاصب صهیونیست، بزرگترین خطر برای حال و آینده جهان اسلام است و بر مسلمین است که برای علاج این خطر و رفع ظلمی به این عظمت، درصدد علاج و چاره باشند.... علاج واقعی این خطر به دست مسلمین است. آنان می‌توانند با کمک‌های حقیقی به مبارزین مسلمان، قیام داخل کشور فلسطین را قویتر و کوبنده‌تر سازند، و نیز می‌توانند به طرق گوناگون نگذارند که دولت‌های منطقه به پیروی از خواست و تحمیل آمریکا، تن به سازش با اسرائیل دهند.»72

اسرار معنوی و عرفانی

موسم حج، زمینه انقلاب و تحوّل درونی خیل عظیم توده‌های انسانی است که به عشق دیدار یار به محضرش

شتافته‌اند و می‌کوشند از آن ضیافت الهی حداکثر بهره برداری را بنمایند. چه ضیافت بزرگی که میزبان آن خداست و با رزق معنوی از میهمانان پذیرایی کرده و دوست دارد پاداش خویش را بر آمرزش گناهان استوار سازد.

قال علی(علیه السلام) «الْحَاجُّ وَ الْمُعْتَمِرُ وَفْدُ اللهِ وَ حَقٌّ عَلَی اللهِ أَنْ یُکْرِمَ وَفْدَهُ وَ یَحْبُوَهُ بِالْمَغْفِرَه».73

«حج گزار و به جا آورنده عمره میهمان خدایند و بر اوست که میهمان خویش را گرامی بدارد و با آمرزش او را پاداش دهد.»

از منظر امام خمینی(ره) جهات معنوی و عرفانی حج بسیار است ولی آن چه که ایشان در این میان مهم شمرده‌اند این نکته است که حاجی بداند به کجا می‌رود، دعوت چه کسی را اجابت کرده و میهمان چه کسی است و آداب این میهمانی چیست؟74

اگر حاجی نداند در محضر چه میزبان بزرگی قرار دارد، اگر نداند به چه مکان مقدسی وارد شده است و سرانجام اگر نداند به چه آدابی باید توجه کند، به یقین از برکات سفر بهره‌مند نخواهد شد. در روایت آمده است که عبدالرحمان بن کثیر می‌گوید: با امام صادق(علیه السلام) به حج رفتم و هنگام عبور از راهی، آن حضرت برفراز کوهی رفت و از آن بالا به مردم نگریست و فرمود:

«مَا أَکْثَرَ الضَّجِیجَ وَ أَقَلَّ الْحَجِیجَ».75

«چه بسیار است هیاهو و چه اندک‌اند حاجیان!»

معلوم می‌شودکه این بصیرت و شناخت برای همه به وجود نمی‌آید. همگان به این معرفت نمی رسندکه دعوت چه کسی را اجابت کرده‌اند! باری، باید در این سفر الهی قصد خدا کرد و هر آن چه را که جز اوست ترک نمود؛ یعنی پیش از این‌که به حرم درآید باید دل را حریم دوست کند و همزمان با توجه به کعبه به سوی صاحب خانه رو کند. اگر این‌گونه شود، همه رفتارهای آدمی رنگ خدایی به خود می‌گیرد و انسان برکات این سفر روحانی را درک می‌کند. در غیر این صورت معنویت سفر حج را از دست می‌دهد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«اگر ما دیدیم که حج، جنبه مادّی و ظاهرسازی و دوری از معنویت پیدا کرد و در سفر حج رفتارهایی که برای خودمان انتخاب مکنیم یا بر ما تحمیل مکنند، ضد معنویت است، باید بدانیم از فلسفه حج دور افتادهایم. کسانی که حج و ایام حج را به میزان زیادی صرف کارهایی مکنند که در جهت مقابل معنویت؛ یعنی غرق شدن در مادیّت و دوری از خداست، در حقیقت، بدون این که خودشان بدانند، از آن سرمایهای که خدای متعال در حج به آنها هدیه کرده است، کم مکنند. آنها خیال مکنند چیزی بهدست مآورند؛ در حالکه چیزی از دست مدهند و با غرق شدن در مادّیات، هدیه معنوی را ناقص مکنند.»76

این بُعد معرفتی و معنوی سفر، بسیار اهمیت دارد و شایسته است زائر بیت ا الحرام به آن توجه کند. امام صادق(علیه السلام) در حدیث مفصلی در خصوص آداب حج به این بعد توجه کرده، میفرماید:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَکَ لِلهِ تَعَالَی مِنْ کُلِّ شَاغِلٍ وَ حِجَابِ کُلِّ حَاجِبٍ وَ فَوِّضْ أُمُورَکَ کُلَّهَا إِلَی خَالِقِکَ وَ تَوَکَّلْ عَلَیْهِ فِی جَمِیعِ مَا یَظهَرُ مِن حَرَکَاتِکَ وَ سَکَنَاتِکَ وَ...»77

«چون خواستی حج بگزاری، پیش از آن که عزم رفتن کنی، دلت را برای خدا از هر دلبستگی و مشغلهای و از هر حجابی خالی کن و همه کارهایت را به آفریدگارت واگذار و در تمام حرکات و سکناتت به او توکل کن...»

معنویت حج، متفرّع به انجام صحیح دستورات عبادی حج

عقیده و باور امام(ره) بر این استکه معنویت حج زمانی به دست میآید که ما بتوانیم دستورات عبادی آن را به دقت انجام دهیم:

«مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک منماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بهطور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود.»78

این مهم به دوش روحانیون بزرگوار کاروانهای حج و عمره است که کوشش کنند اعمال زائران بیت ا

الحرام به نحو احسن و درست انجام شود. لذا حضرت امام ﷺفرمودند:

«روحانیون معظم کاروان‌ها تمام همّ خود را صرف در تعلیم و تعلّم مناسک حج کنند و بر مسأله دانان است که از همراهان خود مواظبت کنند، که خدای نخواسته تخلف از دستورات نشود.»79

تدبّر در راز و رمز اعمال حج

از پیام‌های امام حضرت خمینی و مقام معظم رهبری استفاده می‌شود که آن دو بزرگوار نسبت به اسرار و راز و رمز اعمال حج، توجه ویژه داشتند و دیگران را نیز به این امر مهم توجه می‌دادند. بر این اساس، بعضی از این نظریات و دیدگاه‌ها را مرور می‌کنیم:

1. راز لبیک

تلبیه، پاسخ دادن به دعوت حق، اجابت ندای ابراهیم و وارث او خاتم پیامبران است. لحظه‌ای که آدمی در میقات، لباس احرام بر تن می‌کند و تلبیه می‌گوید گویی از خود بیخود شده، می‌خواهد غیر او را از خود طرد کند. نگاه امام خمینی(ره) را در این باره می‌خوانیم:

«لبّیک‌های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت اﷲ تعالی به اسم جامع جواب می‌دهند. مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب. گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق آن می‌نماید...

تلبیه‌های مکرر از کسانی حقیقت دارد که ندای حق را به گوش جان شنیده و به دعوت اﷲ به اسم جامع جواب می‌دهند. مسأله، مسأله حضور در محضر است و مشاهده جمال محبوب، گویی گوینده از خود در این محضر بیخود شده و جواب دعوت را تکرار می‌کند و دنباله آن سلب شریک به معنای مطلق می‌نماید...»80

«در لبیک لبیک، «نه» بر همه بت‌ها گویید و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوتچه‌ها کشید...»81

2. طواف نشانه انجذاب و برائت

طواف خانه خدا دو نشانه دارد؛ نشانه نخست گرایش به خدا، عشق به حق، دلدادگی و همراهی با فرشتگانی است که پیرامون عرش الهی در طواف‌اند. دومین نشانه، برائت است؛ برائت از انداد‌ا، طاغوتیان و بت پرستان. حضرت امام(ره) در این باره می‌گویند:

«در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است، دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق به حق از بت‌های بزرگ و کوچک و طاغوت‌ها و وابستگانشان برائت جویید که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جستند و همه آزادگان جهان از آنان بری هستند.»82

مقام معظم رهبری هم می‌فرمایند:

«حج مظهر توحید، و کعبه خانه توحید است. این‌که در آیات کریمه مربوط به حج، بارها از ذکرا سخن رفته، نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیر خدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود و بساط انواع شرک از زندگی آنان برچیده شود. در این محیط، محور و مرکز هر حرکتی خداست و طواف و سعی و رمی و وقوف و دیگر شعائر ا حج، هر یک به نحوی نمایش انجذاب به «ا» و طرد و نفی و برائت از «انداد ا» است.»83

3. سعی، محلّ فرو ریختن قید و بندهای شیطانی

کوه صفا و مروه به ما درس می‌دهد که برای احیای نام حق و به دست آوردن عظمت آیین او، همه، حتی کودک شیرخوار تا پای جان بایستند. سعی صفا و مروه به ما می‌آموزد در نومیدی‌ها بسی امید است! هاجر، مادر اسماعیل در جایی‌که آبی به چشم نمی‌خورد تلاش کرد و خداوند نیز از راهی که هاجر تصور نمی‌کرد، سیرابش نمود. سعی صفا و مروه به ما می‌گوید: روزگاری بر فراز آن‌ها بت‌هایی نصب بود اما امروز در اثر فعالیت‌های پی‌گیر پیامبر(صلی ا علیه و آله) شب و روز در دامنه‌اش بانگ لا اله الا ا طنین انداز است. آری، قید و بندهای شیطانی و طاغوتی، همه در هم ریخت و به گفته امام خمینی(ره):

«در سعی بین صفا و مروه، با صدق و صفا سعی در یافتن محبوب کنید که با یافتن او، همه یافت‌های دنیایی گسسته شود و همه شک‌ها و تردیدها فرو ریزد و همه خوف و رجاهای حیوانی زایل شود و همه

دلبستگی‌های مادی گسسته شود و آزادگی‌ها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند، در هم ریزد.»84

4. منا قربانگاه عاشقان

ذبح قربانی، رمز گذشت از همه چیز در راه معبود است. مظهری است برای تهی ساختن قلب از غیر یاد خداوند. در منا محبوب‌ترین چیزها در راه خدا قربانی می‌شود تا حاجی به محبوب مطلق برسد و رسیدن به محبوب مطلق، بدون دل کندن از محبوب‌های دیگر امکان پذیر نمی‌باشد:

«... به منا روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن قربانی نمودن محبوبترین چیز خویش در راه محبوب مطلق است. و بدانید تا از این محبوبها که بالاترینش حب نفس است و حب دنیا تابع آن است، نگذرید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم کنید و شیطان از شما بگریزد. و رجم شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطان زادگان همه گریزان شوند.»85

مقام معظم رهبری هم در این باره فرموده‌اند:

«از لحظه احرام و بیرون آمدن از تشخصات فردی و ترک بسیاری از لذت‌ها و خواهش‌های نفسانی، تا طواف بر گرد نماد توحید و... حضور در منا و سنگباران نمادهای شیطانی و آنگاه تجسم پر معنای قربانی کردن و... از سوئی اخلاص و صفا و دل بریدن از سرگرمی‌های مادی و از سوئی... پرداختن به آراستگی دل و جان و از سوئی... خشوع در پیشگاه حق و از سوئی صلابت در برابر باطل...»86

3. اسرار اخلاقی

انسان از نگاه آیین اسلام، افزون بر بُعد مادی، دارای بعد معنوی و فطرت الهی نیز هست. خداوند گرایش متعالی و قدسی را در وجود او تعبیه نموده است؛ مانند گرایش به تقدیس و پرستش، گرایش به حقیقت، گرایش به خلاقیت و نوآوری و گرایش به کمال. او می‌خواهد مَنِ عالی خود را رشد دهد تا به مقام خلیفه اللهی برسد. بدیهی است آموزه‌های دین و دستورالعمل‌های آن نقش مهمی را در این باره

ایفا می‌کنند. مناسک حج از برنامه‌هایی است که می‌تواند ابعاد روحی و معنوی و اخلاق آدمی را متحوّل سازد. می‌تواند خودشناسی و خودسازی به همراه داشته باشد. می‌تواند دل را از غیر خدا خالی کند. امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید:

«إِذَا أَرَدْتَ الْحَجَّ فَجَرِّدْ قَلْبَکَ لِلهِ تَعَالَی مِنْ کُلِّ شَاغِلٍ وَ حِجَابِ کُلِّ حَاجِبٍ...».87

«هرگاه قصد حج داشتی، دلت را برای خدا از هر باز دارنده‌ای و از هر مانعی خالی ساز.»

1. درس اخلاص

امام خمینی در باره خلوص در عبادت فرموده‌اند:

«از مهمات در همه عبادات، اخلاص در عمل است... حجاج محترم مواظب باشند که رضای غیر خداوند را در اعمال خود شرکت ندهند... و مهم آن است که حاج بداند که کجا می‌رود... و بداند هر خودخواهی و خودبینی با خداخواهی مخالف است... و اگر همین یک جهت عرفانی و معنوی برای انسان دست دهد... انسان در همه میدان‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و حتی نظامی پیروز می‌شود.»88

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی فرموده‌اند:

«حج مظهر توحید، و کعبه خانه توحید است. اینکه در آیات کریمه مربوط به حج، بارها از ذکرا سخن رفته، نشانه آن است که در این خانه و به برکت آن، باید هر عامل غیرخدا از صحنه ذهن و عمل مسلمین زدوده شود.»89

2. درس خودسازی

در موسم حج، زائران بیت ا الحرام به کسب اخلاق خوش در برخورد با دیگران، تواضع، ایثار و از خودگذشتگی، احترام به همنوعان و مانند آن می‌پردازند. می‌کوشند آن صفات معنوی را در خود تقویت کنند و رذایل اخلاقی را از خود دور سازند.

حضرت امام در این باره می‌گویند:

«اخلاق کریمه انسانی ـ اسلامی را با همه زوّار از هر طبقه و هر طایفه و هر رنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نمایید و در برخوردها و رفت وآمدها در جمیع اوقات و احوال و پیشامدها صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار نمایید و در مقابل درشتیها، نرمی و سلم و در مقابل بدرفتاریها، خوبی و محبت کنید و برای رضای خداوند تعالی تحمل هر پیشامد بدی از هرکس باشد، با روی گشاده و سعه صدر نمایید.»90

3. درس تقوا و خویشتن داری

یکی از مهم‌ترین وظیفه زائران خانه خدا، تقوا و خویشتن داری است. امام صادق(علیه السلام) در این باره می‌فرمایند: «إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَیْکَ بِتَقْوَی اللهِ»91

حج، در جوهر و ذات خود، دارای دو عنصر اصلی است؛ «تقرب به خدا در اندیشه و عمل» و «اجتناب از طاغوت و شیطان با جسم و جان» است. همه اعمال و تروک حج برای این دو و در جهت آن و تأمین ابزار و مقدمات آن است. آیات حج ناظر به همین دو عنصر اصلی است؛ تقرّب به خدا، «ذکر و نماز و تسلیم و احرام و به خود و خداوند اندیشیدن و...

حضرت آیت الله خامنه‌ای در فراز دیگری غفلت زدایی را یکی از برترین تدابیر حج شمرده‌اند:

«آدمی در میدان‌های گوناگون زندگی، قربانی غفلت خویش است. هر جا غفلت هست انهدام اخلاقی و انحراف فکری و هزیمت روحی نیز هست و...

حج یکی از برترین تدابیر اسلام در غفلت زدایی است...

مناسک حج، فرصت می‌دهد که ما اسارت و وابستگی غفلت بار خود به لذت طلبی و هوس و تن آسایی را موقتا ترک کنیم.»92

حسن ختام این نوشتار دو پیام از امام راحل و مقام معظم رهبری است در باره حج:

«حج، کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. و مناسک حج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد(صلی ا علیه و آله) پیوند خورد و یکی گردد و یدِ واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.»93

«حج عبادت است و ذکر و دعا و استغفار؛ اما عبادتی و ذکر و استغفاری در جهت ایجاد حیات طیبه امت اسلامی ونجات آن از زنجیرها وغل‌های استعباد و استبداد و خداوندان زر و زور و تزریق روح عزت و عظمت به آن و زدودن کسالت و ملالت از آن. این است حجی که از پایه‌های دین به‌شمار رفته و امیرالمؤمنین علد(علیه السلام) درنهج البلاغه آن را عَلَم اسلام و جهاد هر ناتوان و برطرف کننده فقر وتنگدستی و مایه تقرب و نزدیکی اهل دین به یکدیگر شمرده است.»94

پی‌نوشت‌ها:

1 . فرهنگ نامه اسرار و معارف حج، ص 14، دارالحدیث، 8

2 . پیام مقام معظم رهبری، تیرماه 68

3 . پیام امام (ره)به زائران بیت ا الحرام، 29/4/67

4 . همان.

5 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، تیر ماه 68

6 . روزنامه جمهوری اسلامی، 28/5/59

7 . صحیفه امام، ج13، ص130

8 . همان، ج 5 ، ص 278

9 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

10 . نهج الفصاحه، ص741، ح 2855

11 . نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه 127

12 . نهج البلاغه، نامه 47

13 . بقره : 256

14 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

15 . عصر : 3 _ 1

16 . مثنوی، مولوی، دفتر دوم.

17 . حجرات : 10

18 . میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج1، ح147

19 . میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ص149

20 . صحیفه نور، ج 18، ص90

21 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

22 . بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارگزاران نظام 17/1/86

23 . پیام، ش 85 ، مقاله مقدمه‌ای بر منشور وحدت اسلامی، محمدرضا احمدی.

24 . صحیفه نور، ج 13، ص 338

25 . همان، ج9، ص 167

26 . همان، ج 14، ص 226

27 . همان، ج 19، ص 321

28 . صحیفه نور، ج 18، ص 92

29 . همان، ج 12، ص 196

30 . همان، ج 15، ص 277

31 . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیان، 7/5/1371

32 . صحیفه نور، ج 19، ص 202

33 . صحیفه امام، ج 19، ص131

34 . صحیفه نور، ج 13، ص168

35 . پیام رهبری، 26/3/70

36 . آل عمران : 96

37 . صحیفه نور، ج 18، ص 78

38 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

39 . صحیفه امام، ج18، ص 78

40 . همان.

41 . پیام مقام معظم رهبری به حجاج، 26/3/70

42 . توبه : 3

43 . صحیفه نور، ج 20، ص 228

44 . همان، ج 20، ص 21

45 . پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، 26/3/70

46 . پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، تیرماه 68

47 . پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، تیرماه 68

48 . صحیفه امام، ج20 ، ص94

49 . فصلنامه میقات حج، ش 30، سال 78، مقاله برائت از مشرکین از دیدگاه امام خمینی (ره)، اسماعیل آبادی.

50 . صحیفه نور، ج 15، ص 123

51 . پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، 26/3/70

52 . صحیفه نور، ج 10، ص 222

53 . پیام تجلیل از شهیدان و ایثارگران انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و خانوادههای معظم آنها در ششمین روز از دهه فجر، 17/11/1370

54 . نفوذ استحاله، معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارا تهران، ص 17

55 . صحیفه امام، ج12، ص 321

56 . پیام به حجاج بیتاللهالحرام، 26/3/70

57 . سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم و جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزشعالی و درمانی کشور، 15/ 9/ 1368

58 . صحیفه نور، ج5، ص 172

59 . همان، ج2، ص 20

60 . منشور تداوم انقلاب، پیام رهبر انقلاب به مناسبت ایام حج، تیر 68

61 . صحیفه نور، ج 20، ص 221

62 . پیام به حجاج بیتاللهالحرام، تیرماه 68

63 . فصلنامه پیام، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ش 89، مقاله تأثیر هستهای شدن ایران بر ژئوپلیتیک خاورمیانه، محمدرضا احمدی، ص118

64 . صحیفه نور، ج 20، ص 146

65 . صحیفه نور، ج 13، ص 199

66 . پیام به حجاج بیتاللهالحرام، 26/3/70

67 . صحیفه نور، ج 18، ص 69

68 . همان، ص68

69 . پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، 26/3/70

70. صحیفه نور، ج 9، ص 224

71. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، تیرماه 68

72. پیام رهبری به حجاج، مورخ 26/3/70

73. تحف العقول، ص123

74. صحیفه نور، ج 19، ص 199

75. میزان الحکمه، ح 3294

76. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج 16/1/74

77. میزان الحکمه، ح 3298

78. صحیفه نور، ج 19، ص 42

79. همان.

80 . صحیفه نور، ج 19، ص 42

81 . همان، ص 197

82 . صحیفه نور، ج 20، ص 18

83 . پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام 26/3/70

84 . صحیفه نور، ج 20، ص 18

85 . همان، ج 20، ص 20 ـ 19

86 . پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج، 17/9/87

87 . مصباح الشریعه، ص142

88 . صحیفه نور، ج 20، ص 145

89. پیام رهبری، مورخ 26/3/70

90. پیام امام خمینی، 16/5/65

91. کافی، ج4، ص338

92. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام، سال 84

93. پیام امام خمینی(ره) به زائران، مورخ 29/4/67

94. پیام به حجاج بیت‌ا الحرام 14/4/ 1368

.....

این مقاله در شماره 74 از نشریه میقات حج منتشر شده است. قابل دسترسی در: